



## شاخص‌بندی و برنامه‌ریزی گام‌نخست فرهنگ‌سازی

گفتگوی نشریه پویا با دکتر محمدجواد توکی

**فرهنگ پویا:** تأثیر تعلیم و تربیت اقتصادی بر اخلاق و معنویت در جامعه را لطفاً توضیح بفرمایید.

در بحث‌های اقتصادی بحثی با عنوان تأثیر تعلیم و تربیت اقتصادی بر عملکرد نظام اقتصادی، مطرح است. این بحث به بیانیه‌ای در سال ۱۹۸۳ در آمریکا با عنوان «یک ملت در خطر» برمی‌گردد. گروهی از محققان اقتصادی برای دولت ریگان مطالعه‌ای را انجام دادند و گفتند: «نظام اقتصادی آمریکا، با محصولات ضعیف در مواجهه با نظام اقتصادی مستحکم آلمان و نظام اقتصادی ژاپنی در معرض خطر است. اگر اقتصاد آمریکا نتواند با این دو اقتصاد مقابله کند، اقتصاد آمریکا آن هژمونی و هویت خود را از دست خواهد داد.» در آن مطالعه دلیل برتری ژاپن و آلمان را در برخی از صنایع و نظام آموزشی این دو کشور بیان کردند؛ چون این دو کشور توانستند به وسیله‌ی آموزش، روی فرهنگ کار و انگیزه‌های افراد اثر بگذارند. خروجی این مطالعه، این شد که از آن زمان گروهی از اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی و روان‌شناسی برای حل این مشکل دست به کار شدند و پروژه‌ای با عنوان





تعریف می‌کند که باید در خدمت سعادت و صلاح بشر باشد. در اسلام اقتصاد صلاحی برای فلاح و سعادت دنیا و آخرت است. بر اساس مدلی که در اسلام طراحی می‌شود، تعلیم و تربیت اقتصادی به گونه‌ای است که افراد معتقد باشند دنیا مزرعه‌ی آخرت است. در این فضای تعاملات اقتصادی تا می‌توانند به مقتضای عدالت و انصاف عمل می‌کنند. حتی توصیه شده که در حق دیگران احسان، که حتی فراتر از انصاف است، داشته باشید. در ادبیات دینی خروجی تربیت اقتصادی افراد علاوه بر داشتن عقل معاش، اخلاق و معنویت نیز هست؛ یعنی این دو عنصر با هم کار می‌کنند؛ مثلاً وقتی در آیات قرآن بحث زکات مطرح می‌شود؛ می‌گوید شما زکات را بپردازید تا خود تزکیه شوید، نه برای تزکیه‌ی مال این کار را بکنید، بلکه برای صفای وجود انسان است.

یا مثلاً تأکیدی که تعالیم دینی ما بر روزی حلال دارد، شما می‌بینید که برای کسب روزی، اسلام تأکید می‌کند که باید رعایت ضوابط شرعی بشود و شما باید حاصل دست‌رنج خود را کسب کنید. این‌ها نشانه‌هایی است که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز به آن توجه شده است. منتهی ما باید با توجه به این که تعلیم و تربیت از حصار خانواده خارج شده، با توجه به اقتضائات روز و تغییری که در نظام تعلیم و تربیت ایجاد شده، مدل‌های تعلیم و تربیت اقتصادی را طراحی کنیم که منطبق آن از قرآن و روایات باشد و آن‌ها را در جامعه نهادینه کنیم. در این راستا آموزش و پرورش، دانشگاه، رسانه‌ها و... نقش دارند. امروز متأسفانه در رسانه‌ی ملی؛ مثلاً شانس تبلیغ می‌شود! که این فرهنگ خیلی متناسب با آموزه‌های دینی ما نیست. ما باید کسب درآمد از طریق کار و تلاش را ترویج کنیم.

#### **فرهنگ پویا: یعنی می‌فرمایید که الان غربی‌ها بر اساس نظام خود تعلیم و تربیت اقتصادی را تعریف کرده‌اند و ما متأسفانه این کار را نکرده‌ایم؟**

بله دقیقاً همین‌گونه است؛ آن‌ها براساس منطق خود الگوی تعلیم و تربیت اقتصادی طراحی کردند. ما هم باید براساس منطق خود چنین الگویی را طراحی کنیم. مدلی که ما طراحی می‌کنیم باید بر اساس مبانی دینی اسلام و ترازهای آن باشد. باید یک نوع اقتصاد اخلاقی همراه با معنویت، مدل‌سازی شود. زمانی برنامه‌ای در صدا و سیما برای کودکان با عنوان «فیتله، جمعه، تعطیله» پخش می‌شد. این برنامه با مبانی دینی ما سازگاری نداشت؛ چون تعطیلی با کار و تلاش سازگاری ندارد. الحمدلله، خود آن هم تعطیل شد! گاهی حتی ما در نام‌گذاری برنامه‌های تولید تعلیم و تربیتی خود توجه نمی‌کنیم! اصلاً اسم این برنامه، ضد فرهنگ است. در واقع شما با این نوع نام‌گذاری و با عنوان عموهای فیتله‌ای، فرهنگ تعطیلی و لذت‌بردن بچه‌ها از تعطیلی را در آن‌ها نهادینه‌سازی و حتی شخصیت‌سازی می‌کنید. مفهوم آن برنامه این است که فرهنگ کار اصلاً معنایی ندارد. شما باید کاری کنید که بچه‌ها از تعطیلی بدشان بیاید. ما باید در برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی به این ظرایف توجه کنیم. به نظر من اگر بخواهیم به دنبال اقتصاد اخلاقی و

تعلیم و تربیت اقتصادی طراحی کردند و گفتند: «برای غلبه بر این مشکلات در محصولات آمریکایی ما باید یک برنامه‌ای برای آموزش عمومی داشته باشیم.» آن‌ها در این طرح، سه هدف را در نظام آموزشی خود دنبال کردند. آن‌ها گفتند: «ما باید قدرت شناختی، قدرت مهارتی و قدرت انگیزشی بچه‌ها را ارتقا دهیم.» در این پروژه بر اساس مبانی لیبرالیستی به بچه‌ها آموزش می‌دادند که باید بدانند، بخواهند و بتوانند فعالیت‌های اقتصادی را با کیفیت ارائه کنند؛ مثلاً به بچه‌ها یاد می‌دادند که پس‌انداز چیست؟! تلاش می‌کردند انگیزه‌ی پس‌انداز کردن در بچه‌ها ایجاد شود و مهارت پس‌انداز را هم یاد بگیرند. این کار موفق بود. آن‌ها در این راستا طرح‌ها و مدل‌های عملیاتی در نظام اقتصادی و نظام آموزشی خود داشتند. آن‌ها حدود ۲۵ مفهوم را در کتاب‌های درسی خود گنجانده و برای معلم‌های خود راهنماهای مختلفی تدوین کردند. این پروژه باعث شد آن‌ها بتوانند تا حدی سطح تعلیم و تربیت اقتصادی خود را ارتقا دهند. البته این، کارکردهای خود را هم داشته است. خروجی این پروژه‌ی مطالعاتی در داخل تعلیم و تربیت اقتصادی آمریکا، چیزی است که ما در اقتصاد به آن «انسان اقتصادی» می‌گوییم؛ یعنی انسانی که به دنبال حداکثر سودش است و در یک فضای رقابتی کار می‌کند. خروجی این مدل عملاً خیلی به اخلاق و معنویت کاری ندارد. در این مدل انسان‌ها تربیت می‌شوند، تا حساب‌گری خاص خود را داشته باشند. در این جا فرهنگ رقابت برای کسب سود و ثروت است. ما وقتی این را با معارف اسلامی خود مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که اسلام هم یک نوع پروژه‌ی تعلیم و تربیت اقتصادی دارد؛ ولی خروجی مدل تعلیم و تربیت اقتصادی اسلام با مدل آمریکا یا سایر کشورهای لیبرالیستی متفاوت است. اسلام با توجه به جهان بینی که دارد و نگاهی که به جهان و به سرانجام انسان دارد، اقتصاد را به عنوان یک ابزار



و دوره‌های متوسطه و... ادامه داشته باشد. حتی این برنامه‌ها را در رسانه‌ی ملی و سایر رسانه‌ها اجرا کنیم تا در جامعه نهادینه شود. البته این کار یک روند طولانی را می‌طلبد.

**فرهنگ پویا:** از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، سپاسگزاریم.

معنوی باشیم؛ باید براساس آموزه‌های دینی خود به دنبال نمونه و الگوهای اقتصادی مطلوب باشیم. در فرهنگ معیشت می‌توانیم الگوی معیشت حضرت امیرالمؤمنین (ع) را مثال بزنیم. در شیوه‌ی معیشت ایشان سه ارزش حاکم بود؛ ایشان در تولید بسیار پرکار؛ ولی در مصرف، اهل قناعت بودند و مازاد درآمد خود را انفاق می‌کردند. پرکاری در تولید، قناعت در مصرف و انفاق در مازاد درآمد، یک الگو و مدل معیشتی، بر اساس آموزه‌های دینی ماست که حضرت بر آن اهتمام داشتند. ایشان به شدت کار می‌کردند. در تاریخ ثبت شده است که حضرت قنات و چاه حفر می‌کردند، هنوز حفر آن‌ها تمام نشده بود، وقف‌نامه‌ی آن را امضا می‌کردند. در مورد مصرف هم آن داستان معروف شب شهادت ایشان را که به یک غذا اکتفا کردند در تواریخ ملاحظه کردید. چنین الگوهایی را ما باید مد نظر داشته باشیم. ما باید در نظام تعلیم و تربیتی خود چنین افرادی را پرورش بدهیم، نه این که وقتی فضای اقتصادی نابسامان شد خود او اولین کسی باشد که در بازار سفته‌بازی به خرید و فروش دلار و سکه پردازد و خود به جریان سفته‌بازی دامن بزند. متأسفانه وجود چنین افرادی در جامعه و ساختار اجرایی ما نشان می‌دهد که در حوزه‌ی این تعلیم و تربیت اقتصادی و فرهنگ‌سازی آن با رویکرد اسلامی خیلی موفق نبوده‌ایم.

**فرهنگ پویا:** به نظر شما چه کار باید کرد تا این فرهنگ پشت میزنشینی و لذت بردن از درآمدهای بادآورده که به دلیل وجود نفت در اقتصاد ایران، یا گسترش شهرنشینی و... ایجاد شده است، از آذهان جامعه‌ی ما زدوده شود؟

یکی از محققان حوزه‌ی اخلاق و اقتصاد می‌گوید: «گذاره‌های فرهنگی و اخلاقی بسیار دیرپا هستند». هم‌چنین یکی از اقتصاددانان نهادگرا که برنده‌ی جایزه نوبل هم است می‌گوید: «تغییرات اخلاقی صد تا هزار سال طول می‌کشد تا آن در جامعه شکل بگیرد.»؛ مثلاً اگر این فرهنگ خدماتی و غیرتولیدی از زمان قاجار و پهلوی در میان جامعه‌ی ما نهادینه شده است، به این سادگی نمی‌شود این فرهنگ را از بین برد، بلکه ما باید تلاش‌های نظام‌مندی را برای غلبه به این مشکلات داشته باشیم. به نظر من، ما باید شاخص‌بندی کنیم؛ مثلاً آن قسمت از رفتارهای مردم را که نامناسب و متناسب با فرهنگ دینی ما نیست، شناسایی کنیم و برای جایگزینی آن یک برنامه‌ی جامع داشته باشیم و برای فرهنگ‌سازی آن از مهد کودکی‌ها شروع کنیم، سپس در مقطع ابتدایی

مدلی که ما طراحی می‌کنیم باید بر اساس مبانی دینی اسلام و ترازهای آن باشد. باید یک نوع اقتصاد اخلاقی همراه با معنویت، مدل‌سازی شود. زمانی برنامه‌ای در صدا و سیما برای کودکان با عنوان «فیتیله، جمعه، تعطیله» پخش می‌شد. این برنامه با مبانی دینی ما سازگاری نداشت؛ چون تعطیلی با کار و تلاش سازگاری ندارد. الحمدلله، خود آن هم تعطیل شد!

در فرهنگ معیشت می‌توانیم الگوی معیشت حضرت امیرالمؤمنین (ع) را مثال بزنیم. در شیوه‌ی معیشت ایشان سه ارزش حاکم بود؛ ایشان در تولید بسیار پرکار؛ ولی در مصرف، اهل قناعت بودند و مازاد درآمد خود را انفاق می‌کردند. پرکاری در تولید، قناعت در مصرف و انفاق در مازاد درآمد، یک الگو و مدل معیشتی، بر اساس آموزه‌های دینی ماست که حضرت بر آن اهتمام داشتند.